

ضابطیت عمار بن موسی سبابی بر پایه بررسی تطبیقی و محتوایی

سعید مهربانی^۱
مهدی غلامعلی^۲

چکیده

عمار بن موسی سبابی، از جمله راویان پرکار در منابع روایی شیعه امامیه است. وی با گزارش ۲۲۸ روایت از ائمه معصومان (علیهم السلام)، در شکل‌گیری میراث حدیثی شیعه نقش ایفا کرده است. بررسی تفصیلی روایات منقول از وی نشان می‌دهد که ۲۱۱ مورد از این روایات در زمره روایات فقهی قرار می‌گیرند. با این حال، تحلیل محتوایی این دسته از روایات حاکی از آن است که حدود یک سوم آن‌ها، به لحاظ محتوای فقهی، با اشکالات محتوایی مواجه‌اند.

در خصوص وثاقت عمار سبابی، اتفاق نظر واحدی در میان علمای رجال متقدم وجود ندارد. از منظر علمای رجال، ملاک اساسی در تعیین ضابطیت یک راوی، تطابق محتوای روایات او با روایات صحیح و پذیرفته شده است. براساس این معیار، احراز ضابطیت عمار سبابی با چالش‌های جدی روبه‌روست. پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از روش «شاهد و تتابع»، به بررسی تطبیقی روایات عمار بن موسی سبابی با روایات صحیح در ابواب مختلف فقهی می‌پردازد. هدف از این بررسی، ارزیابی دقیق‌تر میزان انطباق روایات وی با معیارهای پذیرفته شده و، در نهایت، ارائه قضاوتی مستند درباره ضابطیت وی است.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که به دلیل وجود اشکالات متعدد ناشی از فقدان ضبط کافی در روایات عمار بن موسی سبابی، اعتماد به این روایات با احتیاط فراوان همراه است. رویه غالب فقهای شیعه در طول تاریخ نیز عدم استناد به روایات شاذ عمار سبابی در استنباط احکام شرعی بوده است.

کلیدواژه‌ها: عمار بن موسی سبابی، ضابطیت راوی، وثاقت راوی، روایات فقهی، شاهد و تتابع.

۱. سطح چهار حوزه علمیه، گرایش فقه و اصول (s.mehrabi.qom@gmail.com).

۲. دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث (mahdigh53@gmail.com).

مقدمه

یکی از مباحثی که در مسیر استنباط احکام شرعی دارای اهمیت است، شناخت راویان حدیث و بررسی صحت روایات آنان است. با مراجعه به کتب علم رجال روشن می‌شود که یکی از ملاک‌های مهم در احراز وثاقت راوی، ضابطیت اوست و برای احراز ضبط راوی، روایات وی با سایر روایات بررسی و مقایسه می‌شود.

عمار بن موسی، معروف به عمار ساباطی، منسوب به ساباط مدائن و زاده کوفه است.^۱ کنیه وی ابوالفضل و ابوالیقظان گزارش شده است.^۲ نام پدر وی موسی است^۳ که درباره او مطلبی در آثار رجالی یافت نشد. عمار دو برادر به نام‌های «صباح» و «قیس» داشته است که نجاشی هر دو را توثیق کرده است.^۴

درباره تاریخ ولادت و وفات وی گزارش معتبری در دست نیست؛ گرچه از برخی روایات، حیات وی تا زمان امام رضا (ع) قابل استفاده است.^۵ وی دوران زندگانی امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) را درک کرده^۶ و از هر دو روایت نقل کرده است؛ اما از امام رضا (ع) روایتی نقل نکرده است.

عمار ساباطی نخست به امامت امام صادق (ع) باور نداشته و در جریان سفر حج و دیدار با برخی از اصحاب امام صادق (ع)، به ایشان متمایل و سپس معتقد به مذهب جعفری می‌شود.^۷ وی پس از شهادت امام صادق (ع) فطحی شده است^۸ و دلیل متقنی بر رجوع وی از این عقیده به دست نیامده است.

فقها و رجالیان درباره وثاقت وی هم‌داستان نیستند. نجاشی^۹ و شیخ طوسی^{۱۰} وی را توثیق کرده‌اند، اما علامه حلی در مختلف الشیعة فی احکام الشریعة^{۱۱} وی را تضعیف نموده و در خلاصة

۱. رجال الطوسی، ص ۳۴۰.

۲. رجال النجاشی، ص ۲۹۰.

۳. همان.

۴. همان.

۵. تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۷۷.

۶. رجال البرقی، ص ۳۶ و ۴۸.

۷. دلائل الإمامة، ص ۲۶۳.

۸. الاستبصار، ج ۳، ص ۷۵.

۹. رجال النجاشی، ص ۲۹۰.

۱۰. الاستبصار، ج ۳، ص ۷۵.

۱۱. مختلف الشیعة، ج ۱، ص ۲۷۱.

الأقوال^۱ عمل به روایات وی را ترجیح می‌دهد. تضعیف عمار ساباطی برپایه دوا امر است: نخست، مذهب وی و دیگری، مشکل ضبط روایت که در این نوشتار بررسی می‌شود.

عمار ساباطی احادیث فقهی فراوانی، بالغ بر دویست روایت، نقل کرده است که پذیرش تعداد قابل توجهی از آن‌ها نزد فقها مورد تردید است. این تردید، ناشی از محتوای این روایات است. گرچه این امر در کلمات رجالیان و فقها تصریح شده است،^۲ تاکنون روایات وی به صورت موردی و تک تک بررسی نشده و قضاوتی دقیق برپایه بررسی موردی روایات صورت نگرفته است. از این رو، لازم است با بررسی محتوای روایات فقهی عمار ساباطی، ضابطیت وی مورد بررسی قرار گیرد.

درباره عمار بن موسی ساباطی، آثار مشابهی یافت شد؛ از جمله:

۱. مقاله «شیوه مواجهه فقهای متقدم با مفاد احادیث عمار ساباطی در کتاب طهارت»، نوشته مصطفی بارگاهی، در مجله علوم حدیث، سال ۲۷، شماره ۱۰۴، تابستان ۱۴۰۱ ش، منتشر شده است. این مقاله با رویکردی تاریخی - فقهی، نحوه برخورد فقهای متقدم با روایات عمار ساباطی در باب طهارت را بررسی کرده و نشان می‌دهد که بسیاری از فقها، به دلیل غرابت یا دشواری فهم، از روایات او اعراض کرده‌اند.

۲. مقاله «بررسی شنووذ و عُجمیت الفاظ روایات عمار ساباطی در دیدگاه آیه الله سید احمد مددی»، نوشته سیدرضا موسوی صدر و عباس نوری احمدآبادی، در مجله رجال، شماره ۶، سال ۱۴۰۲ ش، منتشر شده است. این مقاله با رویکردی رجالی - ادبی، مشکلات واژگانی و شنووذ در روایات عمار ساباطی را تحلیل کرده و دیدگاه آیه الله مددی درباره این روایات را به بحث گذاشته است.

۳. مقاله «شخصیت فردی و رجالی عمار بن موسی ساباطی؛ وثاقت و مذهب»، نوشته مجتبی وظیفه دوست، در نشریه حدیث حوزه، شماره ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ش، منتشر شده است. این مقاله بیشتر بر جنبه رجالی و فردی تمرکز دارد و با بررسی اقوال رجالیان، موضوع وثاقت و مذهب عمار ساباطی را تحلیل کرده و اختلاف نظرهای درباره باقی ماندن او بر مذهب فطحیه یا بازگشت به امامیه را نیز مطرح می‌کند.

مقاله حاضر با عنوان «ضابطیت عمار بن موسی ساباطی برپایه بررسی تطبیقی و

۱. خلاصة الأقوال، ص ۳۱۴.

۲. جواهر الکلام، ج ۷، ص ۳۰۵.

محتوایی»، رویکردی نوآورانه دارد؛ زیرا به جای تمرکز صرف بر وثاقت یا مذهب عمار ساباطی، مانند وظیفه دوست، یا بررسی تاریخی - فقهی، مانند بارگاہی، و یا تحلیل فقهی - ادبی روایات، مانند موسوی صدر و نوری احمدآبادی، به ارزیابی دقیق ضابطیت عمار ساباطی از طریق روش «شاهد و تتابع» پرداخته و با بررسی محتوایی و تطبیقی روایات او نشان داده است که بخش قابل توجهی از روایات وی با روایات صحیح و مشهور سازگار نیست. بدین ترتیب، این مقاله خلأ موجود در مطالعات پیشین را پر کرده و بحث ضابطیت را به طور مستقل و مستند مطرح می‌کند.

نوآوری این نوشتار، قضاوت درباره ضابطیت عمار ساباطی براساس روش «شاهد و تتابع» است. براساس این روش، برای احراز ضابطیت راوی، بررسی تطبیقی روایات وی با سایر روایات صحیح لازم است. در صورتی که بخش قابل توجهی از روایات وی با روایات صحیح ناسازگار باشد، امکان احراز ضابطیت و، در نتیجه، وثاقت راوی وجود ندارد.

براین اساس، نخست، شناخت روایات عمار ساباطی در فقه از جهت ویژگی و تعداد و، سپس، بررسی سازگاری محتوایی آن‌ها با روایات صحیح یا روایاتی که مورد قبول مشهور فقهاست، لازم است. در نوشتار حاضر، تکیه بر شهرتی است که از عمل فقهای شیعه به یک روایت در طول سده‌های مختلف، در میان قدما و متأخران، حاصل شده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. ضبط روایت

ضبط در لغت به معنای حفظ و نگهداری است.^۱ یکی از شروط مؤثر در وثاقت راوی، ضابطیت اوست؛ بدین معنا که راوی آنچه را روایت می‌کند به درستی حفظ کند، غافل نباشد، کتاب خود را به خوبی در ذهن داشته باشد، آن را از غلط، تصحیف و تحریف حفظ کند و در صورتی که روایت را به نقل معنا می‌کند، اسباب اختلال در معنا را بشناسد.^۲

ضابطه اصلی در ضبط راوی این است که وی روایت را به شکل صحیح و بدون تحریف نقل کند^۳ و محتوای روایات او به گونه‌ای باشد که بتوان به مضامین آن اعتماد کرد. دانشمندان علم حدیث معمولاً ضبط راوی را در سه عرصه «ضبط در قول»، «ضبط در

۱. لسان العرب، ج ۷، ص ۳۴۰؛ المصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۵۷.

۲. الرعاية فی علم الدراية، ص ۱۸۵؛ اصول الحديث و احکامه فی علم الدراية، ص ۱۳۵.

۳. معجم مصطلحات الرجال و الدراية، ص ۹۲.

حفظ» و «ضبط در کتابت» مطرح می‌کنند.^۱ ضبط راوی، نقشی مستقیم در وثاقت او دارد و بدون برخورداری از این صفت، نمی‌توان راوی را توثیق کرد.^۲

روش احراز ضابطیت راوی آن است که روایات وی با سایر روایات صحیحی که از ثقات و ضابطان نقل شده است، مقایسه شود؛ به تعبیر دیگر، بررسی تطبیقی و محتوایی روایات راوی، راه اصلی تشخیص ضابطیت اوست. در صورتی که بخش قابل توجهی از روایات وی از جهت محتوا با سایر روایات صحیح تطابق نداشته باشد، ضبط راوی قابل احراز نخواهد بود. در میان شیعه، شیخ بهایی^۳ و برخی دیگر^۴ و در میان غیر شیعه، سیوطی، بر همین ملاک تصریح دارند.^۵

۲. گونه‌شناسی روایات عمار ساباطی

بر اساس بررسی دقیق منابع حدیثی، از عمار ساباطی ۲۲۸ روایت در کتب اربعه و آثار حدیثی شیخ صدوق گزارش شده است. محقق خویی، روایات عمار ساباطی را ۱۲۸ مورد دانسته است.^۶ سرتفاوت این دو آمار آن است که محقق خویی روایاتی را که با عنوان «عمار بن موسی» آمده‌اند، شمارش کرده است؛ در حالی که روایات این راوی در منابع حدیثی با عناوین دیگری، چون «عمار» یا «الساباطی» نیز قابل مشاهده است.

روایات عمار ساباطی را می‌توان با اعتبارات مختلفی تقسیم کرد؛ از جمله:

۲-۱. به اعتبار موضوع

بیش از نود درصد روایات عمار ساباطی، یعنی ۲۱۱ روایت از مجموع ۲۲۸ روایت، با موضوع فقهی است و روایات اعتقادی و اخلاقی وی بسیار اندک است.^۷

۱. تدریب الراوی، ج ۱، ص ۳۵۸.

۲. الرواشح السماویة، ص ۷۵.

۳. مشرق الشمسین، ص ۴۰.

۴. الرعاية فی علم الدراية، ص ۱۹۲؛ سماء المقال فی علم الرجال، ج ۲، ص ۲۰۹.

۵. تدریب الراوی، ج ۱، ص ۳۵۸.

۶. معجم رجال الحديث، ج ۱۳، ص ۲۷۷.

۷. برای بررسی موردی روایات عمار ساباطی، ابتدا همه روایات گزارش شده از وی که در کتب اربعه و آثار حدیثی شیخ صدوق نقل شده است، با کمک نرم افزار درایة النور استخراج شد. با توجه به این که این نرم افزار یک روایت را با اسناد مختلف ذکر می‌کند و از جهتی، برای هر روایت گاهی بیش از ده سند بازسازی شده است، ابتدا روایاتی که در چند کتاب یا در چند بخش از یک کتاب نقل شده بودند، شناسایی و سپس موارد تکرار حذف شد. پس از آن، از ←

روایات فقهی وی از جهت کمی به این شرح است:

باب طهارت: ۵۱ روایت؛ باب صلات: ۷۲ روایت؛ باب صوم: سیزده روایت؛ باب حج: یازده روایت؛ ابواب معاملات: سیزده روایت؛ باب نکاح: هجده روایت؛ باب طلاق: پنج روایت؛ باب وصیت: چهار روایت؛ باب حدود: پنج روایت؛ باب اطعمه و اشربه: نه روایت؛ و در سایر ابواب فقهی نیز یازده روایت از وی نقل شده است. مجموع روایات راوی، به همراه مصدر هر حدیث، در جدول پیوست مقاله آمده است.

روایات عمار ساباطی تقریباً در تمام موارد، از جهت سند، مشتمل بر راویان ضعیف نیست، بلکه تنها وجود نام عمار ساباطی و برخی دیگر از فطحیه، همچون مصدق بن صدقه، در سند حدیث، باعث شده است که در کتب فقه و حدیث از روایات وی با تعبیر «موثق» یاد شود.^۱

۲-۲. به اعتبار مروی عنه

طبق آماری که از استخراج همه روایات عمار ساباطی از مصادر حدیثی و بررسی موردی آن‌ها به دست آمده است، وی در کتب اربعه و آثار حدیثی شیخ صدوق، در مجموع ۲۲۸ روایت نقل کرده است. از این میان، دو روایت از امام باقر (ع) و یک روایت از امام کاظم (ع) و بقیه روایات از امام صادق (ع) است.

نام راوی مورد بحث در مجامع روایی، تحت عناوین زیر دیده می‌شود:

«عمار»، «عمار بن موسی»، «عمار الساباطی»، «عمار بن موسی الساباطی» و «الساباطی».

۳. وضعیت سنجی روایات عمار ساباطی بر اساس بررسی موردی

با بررسی موردی تمام روایات عمار ساباطی، به دست آمد که از میان ۲۱۱ روایت فقهی، هفتاد

→ میان اسناد مختلف یک روایت، تنها یک سند - که از اعتبار بیشتری برخوردار بود - مورد توجه قرار گرفت و محور کار قرار داده شد؛ به عبارت دیگر، از آن‌جا که هدف این نوشتار بررسی محتوای روایات بوده است، از میان روایات متعددی که محتوای مشترکی داشتند، تنها یک مورد در شمارش قرار گرفت و معیار کار قرار داده شد. در خلال این کار، در موارد متعددی مشاهده شد که اولاً، یک روایت در دو یا چند منبع حدیثی تکرار شده است؛ ثانیاً، گاهی یک روایت، مثلاً پنج‌سطری که در تهذیب الأحکام نقل شده است، به صورت تقطیع شده در چند کتاب دیگر نیز قابل مشاهده است. تشخیص وحدت این روایات و تنظیم آن‌ها ذیل یک روایت نیز نیازمند دقت فراوان بود که انجام شد.

۱. جواهر الکلام، ج ۴، ص ۵۹؛ ج ۴، ص ۱۶۷؛ ج ۲۴، ص ۶۱.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۳۲؛ ج ۵۰؛ همان، ج ۷، ص ۳۱۵؛ ج ۱۲.

۳. همان، ج ۷، ص ۳۷۸؛ ج ۵.

روایت از جهت محتوا قابل پذیرش نیست. علت عدم پذیرش این روایات، چند امر است: شذوذ روایت، مخالفت روایات وی با روایات صحیح، اعراض مشهور فقها از روایت، مخالفت روایت با مسلمات فقه شیعه و مواردی از این قبیل. اکنون، از باب نمونه، در ابواب مختلف فقهی، مواردی از روایات عمار ساباطی که دارای اشکالات مذکور است، نقل می‌شود.

۱-۳. مقدمات عبادت

عمار ساباطی در ابواب مقدمات عبادات، تنها یک روایت درباره سن بلوغ نقل کرده است که مضمون آن مورد اعراض مشهور فقهاست.^۱ مفاد روایت این است که سن تکلیف پسر و دختر سیزده سال است، مگر آن که پسری پیش از آن محتمل شود یا دختر حیض شود:

عَنْ عَمَارِ السَّابَّاطِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْغُلَامِ مَتَى تَجِبُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ؟ فَقَالَ: إِذَا أَتَى عَلَيْهِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً، فَإِنْ احْتَلَمَ قَبْلَ ذَلِكَ فَقَدْ وَجِبَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَجَرَى عَلَيْهِ الْقَلَمُ، وَ الْجَارِيَةُ مِثْلُ ذَلِكَ، إِنْ أَتَى لَهَا ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً أَوْ حَاضَتْ قَبْلَ ذَلِكَ، فَقَدْ وَجِبَتْ عَلَيْهَا الصَّلَاةُ وَجَرَى عَلَيْهَا الْقَلَمُ.^۲

این روایت، به گفته صاحب جواهر، مخالف اجماع علمای شیعه است.^۳ روایت، از شذوذات عمار ساباطی است که فقهای شیعه از آن اعراض کرده‌اند و با سایر روایات درباره سن بلوغ نیز سازگاری ندارد. در تاریخ فقه شیعه، کسی به این روایت عمل نکرده است و مفاد آن با اجماع فقهای شیعه مبنی بر این که سن بلوغ دختر بیش از ده سال نیست، سازگاری ندارد.^۴

۲-۳. باب طهارت

عمار ساباطی در باب طهارت ۵۱ روایت نقل کرده است که شمار قابل توجهی از آن‌ها با روایات صحیح مخالفت دارد و مورد اعراض فقهاست؛ از جمله:

۱. مفتاح الکرامة، ج ۵، ص ۲۳۸؛ مجمع الفائدة والبرهان، ج ۹، ص ۱۸۹.
۲. از امام صادق عليه السلام درباره نوجوانی پرسیدم که از چه زمانی نماز بر او واجب می‌شود. فرمود: «هنگامی که سیزده سال از عمر او بگذرد؛ پس اگر پیش از آن محتمل شود، نماز بر او واجب شده و قلم تکلیف بر او جاری است. دختر نیز چنین است؛ اگر سیزده سال از عمر او بگذرد یا پیش از آن حیض شود، نماز بر او واجب شده و قلم تکلیف بر او جاری است» (تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۸۰، باب ۱۸، ح ۵).
۳. جواهر الکلام ج ۲۶، ص ۳۵.
۴. همان.

روایت وی مبنی بر وجوب اعاده نماز و وضو در صورت تطهیر با احجار ثلاثه:

عَنْ عَمَّارِ السَّابَّاطِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجُلِ يَنْسَى أَنْ يَغْسِلَ ذُبْرَهُ بِالْمَاءِ حَتَّى صَلَّى، إِلَّا أَنَّهُ قَدْ تَمَسَّحَ بِثَلَاثَةِ أَحْجَارٍ، قَالَ: إِنْ كَانَ فِي وَقْتِ تِلْكَ الصَّلَاةِ، فَلْيُعِدِ الصَّلَاةَ وَلْيُعِدِ الْوُضُوءَ.^۱

این روایت، علاوه بر آن که مخالف با نظریه مشهور فقهای متقدم و متأخر است،^۲ با شماری از روایات صحیح که تطهیر با «احجار ثلاثه» را مجزی دانسته اند، سازگاری ندارد.^۳ به ویژه آن که در این روایت، اعاده وضو نیز ذکر شده است که از جهت فقهی، ارتباط آن با مورد روایت مشخص نیست و نوعی ابهام در روایت ایجاد می کند؛ از همین رو، علامه مجلسی این روایت را از جهات مختلف، مخالف فقه مذهب شیعه می داند.^۴ ذیل همین روایت آمده است:

سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَمَسُّ بِطِطْنٍ ذُبْرَهُ، قَالَ: قَدْ نَقَضَ وَضُوءَهُ.^۵

این مطلب نیز، مانند برخی دیگر از روایات عمار ساباطی، موافق فتوای عامه و مخالف فتوای علمای شیعه است.^۶ با وجود تکرار این مشکل در روایات متعدد و با در نظر گرفتن سابقه عمار در مذهب، حمل این روایات بر تقیه آسان نیست.

روایت دیگر، روایت عمار ساباطی مبنی بر وجوب اعاده نماز در صورت نسیان طهارت است:

عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا نَسِيَ أَنْ يَسْتَنْجِيَ مِنَ الْغَائِطِ حَتَّى يُصَلِّيَ، لَمْ يُعِدِ الصَّلَاةَ.^۷

۱. از عمار ساباطی، از امام صادق علیه السلام، در مورد کسی که فراموش کرده است پشت خود را با آب بشوید تا این که نماز خوانده و با سنگ های سه گانه مسح کرده است، نقل شده که فرمود: اگر در وقت نماز است، باید نماز را اعاده کند و وضو را نیز اعاده کند (الاستبصار، ج ۱، ص ۵۲، ح ۴).

۲. المبسوط، ج ۱، ص ۱۷؛ رسائل الشریف المرتضی، ج ۳، ص ۲۳؛ موسوعة ابن ادریس، ج ۸، ص ۱۷۲؛ مصباح الفقیه، ج ۲، ص ۸۳.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۴۸، باب ۳۰ از ابواب خلوة.

۴. ملاذ الأخیار، ج ۱، ص ۱۹۸.

۵. سؤال شد در مورد مردی که وضو می گیرد سپس باطن دبر خود را مس می کند، فرمود: وضویش را باطل می کند (تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۴۵، ح ۶۶).

۶. ملاذ الأخیار، ج ۱، ص ۲۰۰.

۷. از عمار بن موسی از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: اگر مردی فراموش کند که خود را از غائط طاهر کند و نماز بخواند، نماز را اعاده نمی کند (همان، ج ۲، ص ۲۰۱، ح ۹۰).

این روایت نیز با فتوای مشهور فقها مخالف است. شیخ طوسی در المبسوط،^۱ محقق حلّی و شهید ثانی^۲ قول به وجوب اعاده نماز را نقل کرده‌اند و مخالفی در مسئله ذکر نکرده‌اند. شیخ انصاری نیز فتوای وجوب اعاده نماز را به مشهور فقها در اعصار مختلف نسبت داده است.^۳ به گفته علامه مجلسی، تنها شیخ صدوق به این روایت عمل کرده است. همچنین، برخی از فقها روایت را حمل بر تقیه کرده یا آن را برخارج وقت حمل کرده‌اند.^۴ این در حالی است که حمل روایت برخارج وقت، بدون قرینه است؛ چنان که حمل روایات عمار سبابی بر تقیه نیز، با وجود اشکالات متعددی که در این زمینه وجود دارد، از جمله مطابقت آن‌ها با فتاوای عامه در موارد گوناگون، با مشکل مواجه است.

روایت دیگر در باب طهارت، روایت عمار سبابی مبنی بر شستن پاها در وضو است که، علاوه بر مخالفت با ظاهر قرآن،^۵ با مسلمات فقه شیعه نیز سازگار نیست و در میان شیعه کسی به این روایت عمل نکرده است.^۶ متن روایت چنین است:

عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، فِي الرَّجُلِ يَتَوَضَّأُ الْوُضُوءَ كُلَّهُ إِلَّا رِجْلَيْهِ، ثُمَّ يَخُوضُ بِهِمَا الْمَاءَ خَوْضًا، قَالَ: أَجْزَأُ ذَلِكَ.^۷

۳-۳. باب صلات

در میان ۷۲ روایتی که عمار سبابی در باب صلات نقل کرده است نیز موارد متعددی یافت می‌شود که با روایات معتبر و فتوای فقها سازگاری ندارد. از جمله:

روایت وی در باب خلل در نماز؛ مفاد روایت این است که اگر کسی در رکعات نماز صبح شک کند، باید بنا را بر بیشتر بگذارد، سپس نماز را تمام کرده و نماز احتیاط بخواند. در مورد نماز مغرب نیز همین طور است:

۱. المبسوط فی فقه الإمامیة، ج ۱، ص ۹۰.

۲. مسالک الافهام، ج ۱، ص ۴۴.

۳. کتاب الطهارة، ج ۲، ص ۴۹۴.

۴. ملاذ الأخیار، ج ۱ ص ۲۱۶.

۵. «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» (سوره مائده، آیه ۶).

۶. الحدائق الناضرة، ج ۲، ص ۲۸۸.

۷. از امام صادق عليه السلام درباره کسی که وضو می‌گیرد و همه اعضا را می‌شوید، جز پاها که آن‌ها را در آب فرو می‌برد، فرمود:

همین مقدار کفایت می‌کند (تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۶۶، باب ۴ از کتاب الطهارة، ح ۶۶؛ وسائل الشیعة، ج ۱،

ص ۴۲۱، باب ۲۵ از ابواب الوضوء، ح ۱۴).

عَنْ عَمَّارِ السَّابَّاطِيِّ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ لَمْ يَذِرْ صَلَی الْفَجْرِ رُكْعَتَيْنِ أَوْ رُكْعَةً، قَالَ: يَتَشَهَّدُ وَيَنْصَرِفُ، ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّي رُكْعَةً... قُلْتُ: فَصَلَّى الْمَغْرِبَ فَلَمْ يَذِرْ اثْنَتَيْنِ صَلَی أَمْ ثَلَاثًا، قَالَ: يَتَشَهَّدُ وَيَنْصَرِفُ، ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّي رُكْعَةً...^۱

روایت دیگری با همین مضمون درباره نماز مغرب از عمار ساباطی نقل شده است.^۲ فقهای شیعه^۳ در سده‌های مختلف از این روایت اعراض کرده و شک در نماز صبح و مغرب را مبطل می‌دانند. در این خصوص، ادعای اجماع نیز شده است.^۴ افزون بر این، محتوای روایت با روایات صحیح‌ه مخالف دارد.^۵

همچنین، روایت دیگری از وی درباره تعداد نوافل نقل شده است. مضمون روایت این است که تمام نمازهای واجب، دو رکعت نافله دارند، جز نماز عصر:

عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَّاطِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّبِيِّ، قَالَ: لِكُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ لَهَا نَافِلَةٌ رُكْعَتَيْنِ إِلَّا الْعَصْرَ، فَإِنَّهُ تَقْدَمُ نَافِلَتُهَا، فَيَصِيرَانِ قَبْلَهَا، وَهِيَ الرُّكْعَتَانِ اللَّتَانِ نَمَتَ بِهِمَا الثَّمَانِيَةُ بَعْدَ الظُّهْرِ.^۶

در میان فقهای شیعه کسی به این روایت عمل نکرده است^۷ و محتوای آن با دیدگاه برخی از فقهای عامه سازگاری دارد.^۸ آنچه تردید در مضمون این گونه روایات را تشدید می‌کند، این است که عمار ساباطی سابقه عامی بودن داشته و سپس به مذهب جعفری گرایش پیدا کرده است. نمونه دیگری از این مورد نیز پیش تر نقل شد.

۱. عمار ساباطی گفت: از امام صادق علیه السلام درباره کسی سؤال کردم که نمی‌داند نماز صبح را دو رکعت خوانده یا یک رکعت. فرمود: «تشهد بخواند و نماز را تمام کند، سپس بایستد و یک رکعت دیگر بخواند...». گفتم: پس اگر نماز مغرب را خوانده و نمی‌داند دو رکعت خوانده یا سه رکعت، چه کند؟ فرمود: «تشهد بخواند و نماز را تمام کند، سپس بایستد و یک رکعت دیگر بخواند» (تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۸۲، باب ۱۰ من کتاب الصلاة، ح ۲۹).

۲. تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۸۲، ح ۲۸.

۳. الخلاف، ج ۱، ص ۴۴۷؛ الحدائق الناضرة، ج ۹، ص ۱۶۲.

۴. الخلاف، ج ۱، ص ۴۴۷؛ مهذب الأحکام، ج ۸، ص ۲۴۲.

۵. وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۱۹۳، باب ۲ از ابواب الخلل الواقع فی الصلاة.

۶. عمار بن موسی ساباطی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «برای هر نماز واجبی، دو رکعت نافله است، مگر نماز عصر که نافله آن پیش از آن خوانده می‌شود و بر آن مقدم شده است. این دو رکعت، همان دو رکعتی است که هشت رکعت نافله پس از ظهر با آن کامل می‌شود» (تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۷۳، باب ۱۳، ح ۱۲۳).

۷. الحدائق الناضرة، ج ۶، ص ۳۳؛ مستمسک العروة الوثقی، ج ۵، ص ۸.

۸. الفقه علی المذاهب الخمسة، ج ۱، ص ۷۷.

۳-۴. باب صوم

در میان سیزده روایت باب صوم نیز روایات غیر قابل قبولی از عمار سبابی نقل شده است؛ از جمله:

روایت وی درباره افطار عمدی روزه قضا پس از زوال؛ مفاد روایت این است که در روزه قضای ماه رمضان، اگر کسی پس از ظهر افطار کند، کفاره براو واجب نمی شود:

عَنْ عَمَّارِ السَّابَّاطِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ عَلَيْهِ أَيَّامٌ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَ يُرِيدُ أَنْ يَقْضِيَهَا ... سُئِلَ: فَإِنْ نَوَى الصَّوْمَ، ثُمَّ أَفْطَرَ بَعْدَ مَا زَالَتِ الشَّمْسُ، قَالَ: قَدْ أَسَاءَ، وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ إِلَّا قَضَاءُ ذَلِكَ الْيَوْمِ الَّذِي أَرَادَ أَنْ يَقْضِيَهُ.^۱

بر اساس این روایت، در روزه قضا، افطار پس از زوال موجب کفاره نیست؛ در حالی که در چندین روایت معتبر، وجوب کفاره بیان شده است.^۲ از این رو، مضمون روایت مورد قبول هیچ یک از فقهای شیعه نیست.^۳

همچنین، روایت دیگری در باب مبطلات روزه نقل شده است؛ مفاد روایت این است که جماع هنگام روزه، مبطل روزه نیست؛ در حالی که اولاً، روایات مختلفی دلالت دارند که جماع مبطل روزه است و موجب کفاره می شود^۴ و ثانیاً، اجماع فقهای امامیه نیز بر همین مطلب است:^۵

عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَّاطِيِّ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ وَهُوَ صَائِمٌ فَيَجَامِعُ أَهْلَهُ، قَالَ: يَغْتَسِلُ وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.^۶

گرچه گاهی روایت مذکور توجیه و بر فرض حالت فراموشی حمل شده است،^۷ اما عدم

۱. از عمار سبابی، از امام صادق عليه السلام، درباره کسی که قضای روزه هایی از ماه رمضان بر عهده اوست و می خواهد آن ها را قضا کند، سؤال شد که اگر نیت روزه کرده و سپس بعد از زوال افطار کند، فرمود: گناه کرده است و چیزی بر عهده او نیست، مگر قضای آن روزی که خواسته است قضا کند (تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۲۸۰، باب ۶۵، ح ۲۰).

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۴۷.

۳. التذکره، ج ۶، ص ۵۸.

۴. از عمار بن موسی سبابی درباره کسی که روزه است و با همسر خود جماع می کند، از امام صادق عليه السلام سؤال کردم؛ فرمود: غسل می کند و چیزی براو نیست (وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۹، باب ۴ از ابواب ما یمسک عنه الصائم).

۵. المذهب البارع، ج ۲، ص ۲۴.

۶. تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۲۰۷، ح ۹.

۷. همان، ج ۴، ص ۲۰۸.

تصریح به آن، در مسئله فقهی ای که دقت در جزئیات مسائل و نقل آن ضرورت دارد، خود نوعی اختلال در ضبط روایت است.

۳-۵. باب نکاح و طلاق

در مجموع، در روایاتی که عمار ساباطی در ابواب نکاح و طلاق نقل کرده است نیز مواردی مخالف با روایات صحیح وجود دارد. از جمله:

روایت وی در باب تحلیل کنیز؛ مفاد روایت این است که اگر کسی کنیز خود را به دیگری تحلیل کند، کنیز بر او حلال نمی شود، مگر این که کنیز را به او بفروشد یا ببخشد:

عَنْ عَمَّارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْمَرْأَةِ تَقُولُ لِرَجُلٍ: جَارِيَّتِي لَكَ، قَالَ: لَا يَحِلُّ لَهُ فَرْجُهَا إِلَّا أَنْ تَبِيعَهُ أَوْ تَهَبَهُ لَهُ.^۱

این روایت مخالف فتوای مشهور فقهاست؛ زیرا ایشان بر این باورند^۲ که یکی از اسباب حلّیت کنیز، تحلیل مولا است. به عنوان نمونه علامه در مختلف الشیعة نقل می کند که طبق فتوای علمای شیعه، تحلیل کنیز موجب حلّیت شده و روایات متواتری در این زمینه وجود دارد.^۳

همچنین، روایت دیگری از وی مبنی بر این که اگر عبدی با اذن مولایش ازدواج کند و سپس عبد فرار کند، آن زن حق نفقه ندارد و مطلقه محسوب می شود، چنین است:

عَنْ عَمَّارٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أَذِنَ لِعَبْدِهِ فِي تَزْوِيجِ امْرَأَةٍ، فَتَزَوَّجَهَا، ثُمَّ إِنَّ الْعَبْدَ أَبَى، فَقَالَ: لَيْسَ لَهَا عَلَى مَوْلَاهُ نَفَقَةٌ، وَقَدْ بَايَتْ عِصْمَتَهَا مِنْهُ، فَإِنْ أَبَى الْعَبْدُ طَلَاقُ امْرَأَتِهِ، وَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الْمُزْتَدِّ عَنِ الْإِسْلَامِ.^۴

در هیچ یک از منابع فقهی و روایی چنین مطلبی دیده نشد و کسی مضمون این روایت را قبول نکرده است. علامه حلی در ذیل همین روایت تصریح دارد که منفردات عمار، از جمله

۱. تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲۴۳، باب ۲۳، ح ۱۳.

۲. جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۲۹۶؛ الحدائق الناضرة، ج ۲۴، ص ۳۱۱.

۳. مختلف الشیعة، ج ۷، ص ۲۶۹.

۴. از عمار از امام صادق عليه السلام درباره مردی سؤال کردم که به عبد خود اجازه ازدواج با زنی داده و عبد با آن زن ازدواج کرده است؛ سپس عبد فرار کرده است. امام فرمود: مولای او نفقه ای بر عهده ندارد و رابطه زوجیت او با آن زن قطع شده است؛ زیرا فرار عبد در حکم طلاق همسراوست و عبد در این وضعیت به منزله مرتد از اسلام است (تهذیب الأحکام ج ۸، ص ۲۰۷، باب ۹ از ابواب طلاق، ح ۳۷).

روایت مورد بحث، قابل قبول نیست.^۱

علامه مجلسی^۲ در ذیل روایت، کلامی از ابن ادریس نقل کرده است که حاصل آن این است که مضمون روایت با اصول سازگار نیست؛ افزون بر این که ابن ادریس سند روایت را نیز قابل قبول نمی‌داند. علامه مجلسی نیز استدلال به مضمون روایت را ضعیف می‌داند.^۳ در همین باب، روایتی از عمار سبابی نقل شده است که حاصل آن این است که حداد^۴ پس از وفات شوهر واجب نیست:

سَأَلَ عَمَّارُ السَّابَّاطِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ يَمُوتُ عَنْهَا زَوْجُهَا، هَلْ يَحِلُّ لَهَا أَنْ تَخْرُجَ مِنْ مَنْزِلِهَا فِي عَدَّتِهَا؟ قَالَ: نَعَمْ، تَخْتَضِبُ وَتَدْهِنُ وَتَكْتَحِلُ وَتَمَشِّطُ وَتَصْبِغُ وَتَلْبَسُ الْمُصْبَغَ وَتَصْنَعُ مَا شَاءَتْ بِغَيْرِ زِينَةٍ لِرَجُلٍ.^۵

محتوای روایت این است که زنی که شوهرش از دنیا رفته است، می‌تواند از منزل خود خارج شود و آرایش کند؛ درحالی‌که این مضمون با اجماع شیعه مبنی بر این که زن در عده وفات باید حدودی را رعایت کند و از آرایش و زینت بپرهیزد، مخالف است. در اصطلاح فقهی، به رعایت این حدود «حداد» گفته می‌شود. صاحب جواهر اجماع فقها بر وجوب حداد را نقل کرده و آن را مستند به روایات مستفیضة می‌داند.^۶ در برخی از کتب فقهی نیز تصریح شده است که روایت عمار در این مسئله شاذ است و فقها بدان عمل نکرده‌اند.^۷

۳-۶. سایر ابواب فقهی

در سایر ابواب فقهی نیز روایات متعددی از عمار سبابی نقل شده است که برخی از جهت محتوا دارای اشکال بوده و با روایات متعدد ناسازگار است. از جمله:

۱. مختلف الشیعة، ج ۷، ص ۲۹۱.

۲. ملاذ الأخیار، ج ۱۳، ص ۴۰۶.

۳. همان.

۴. حداد در لغت به معنای محدودیت است و مراد از آن در اصطلاح فقها، محدودیت خاصی است که زن پس از فوت شوهر دارد و به موجب آن باید از زینت خودداری کند.

۵. عمار از امام صادق عليه السلام درباره زنی که شوهرش از دنیا رفته است، سؤال کرد که آیا می‌تواند در مدت عده از منزل خود خارج شود؟ فرمود: بله؛ می‌تواند خضاب کند، سرمه بزند، شانه کند، رنگ کند، لباس رنگی بپوشد و هر کاری که می‌خواهد انجام دهد، بدون آن که برای شوهر زینت کند (تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۸۲، باب ۳، ح ۱۹۹).

۶. جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۲۷۶.

۷. موسوعة الفقه الإسلامي، ج ۷، ص ۳۵۹.

روایت وی مبنی بر حرمت اکل ماهی رِبِیْثاً^۱:

عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّبِیْثِ، فَقَالَ: لَا تَأْكُلْهَا، فَإِنَّا لَا نَعْرِفُهَا فِي السَّمَكِ.^۲

این در حالی است که در روایات متعددی این ماهی تحریم نشده و از میان فقهای شیعه کسی قول به تحریم را قبول نکرده است.^۳
همچنین روایت وی در باب حدود:

عن عمار بن موسى الساباطی عن أبي عبد الله عليه السلام عن رجل كانت له امرأة فطلقها أو ماتت فزني قال: عليه الرجم.^۴

محتوای روایت این است که اگر مردی همسرش بمیرد یا از او طلاق بگیرد و سپس مرتکب زنا شود، حکم رجم در مورد او جاری می‌شود. روشن است که این روایت با فتوای فقها و قواعد باب حدود مخالف است. طبق قواعد، کسی که طلاق می‌گیرد یا همسرش فوت می‌کند، از فرض «احصان» خارج است و در این صورت، حکم رجم در مورد او جاری نمی‌شود.^۵ به همین جهت، صاحب ریاض تصریح دارد که این روایت مخالف قواعد است و راوی در نقل آن اشتباه کرده است.^۶ محقق خویی نیز تصریح دارد که نظریه علمای شیعه در این مسئله خلاف روایت عمار است.^۷

در ابواب معاملات نیز روایات متعددی از عمار ساباطی نقل شده است که دارای اشکالات مذکور هستند. از جمله این که عمار چهار روایت^۸ با یک مضمون در باب بیع صرف نقل کرده است که بر جواز خرید و فروش دینار و درهم به صورت نسیه دلالت دارد.

۱. ربیث نوعی ماهی کوچک دارای پولک‌های ظریف است و در مناطق گرمسیری آن را «ماهی اشته» می‌خوانند (فرهنگ فقه، ج ۴ ص ۵۹).

۲. از عمار بن موسی، از امام صادق علیه السلام، نقل شده است که گفت: «از ایشان درباره ربیثا سؤال کردم؛ فرمود: آن را نخور؛ زیرا ما آن را از ماهی نمی‌دانیم (تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۸۰، باب ۲، ح ۸۰).

۳. جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۲۵۰.

۴. از عمار بن موسی ساباطی، از امام صادق علیه السلام، درباره مردی که زنی داشته و او را طلاق داده یا آن زن از دنیا رفته است، سپس زنا کرده، سؤال شد. فرمود: بر او حد رجم جاری می‌شود (تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۲، ح ۶۵).

۵. مهذب الأحکام، ج ۲۷، ص ۲۴۶.

۶. ریاض المسائل، ج ۱۳، ص ۴۲۵.

۷. موسوعة الإمام الخوئی، ج ۴۱، ص ۲۵۴.

۸. تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۰۰ و ۱۰۱، باب ۸، ح ۳۷، ۳۸، ۳۹ و ۴۱.

عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَّاطِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: لَا بُدَّ أَنْ يَبِيعَ الرَّجُلُ
الدِّينَارَ بِأَكْثَرِ مِنْ صَرْفِ يَوْمِهِ نَسِيئَةً.^۱

به تصریح صاحب جواهر^۲ و صاحب حدائق^۳، فقهای شیعه در اعصار مختلف، بیع صرف به صورت نسیه را جایز ندانسته و تقابض در مجلس را شرط صحت بیع صرف دانسته‌اند، بلکه در این خصوص ادعای اجماع شده است.^۴

آنچه ضابطیت عمار ساباطی را بیش از پیش تقویت می‌کند، این است که از برخی روایات استفاده می‌شود برخی از راویان مورد اعتماد و گران قدر، در پذیرش روایت وی محتاط بوده‌اند؛ گویا فراوانی شذوذات عمار ساباطی و محتوای نادرست روایات وی، نوعی تردید را در مضمون روایات این راوی ایجاد کرده است. روایت زیر بهترین شاهد در این خصوص است. در نقل صحیح محمد بن مسلم آمده است:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ عَمَّارَ السَّابَّاطِيَّ رَوَى عَنْكَ رِوَايَةً. قَالَ: وَمَا هِيَ؟ قُلْتُ: رَوَى أَنَّ السُّنَّةَ فَرِيضَةٌ. فَقَالَ: أَتَيْنَ يَذْهَبُ، أَتَيْنَ يَذْهَبُ؟ لَيْسَ هَكَذَا حَدَّثْتُهُ.^۵

نکته این است که محمد بن مسلم، پس از شنیدن روایتی از عمار ساباطی، به امام معصوم علیه السلام رجوع کرده و اصل مسئله را از ایشان پرسیده است. امام صادق علیه السلام نیز درباره عمار ساباطی از تعبیر «أَتَيْنَ يَذْهَبُ» استفاده می‌کند که ظهور در انحراف راوی دارد. مجلسی در ذیل این حدیث می‌نویسد:

به نظر می‌رسد عمار ساباطی در فهم کارکرد نافله به عنوان مکمل و جبران‌کننده نقص‌های احتمالی در فریضه دچار اشتباه شده است. او با این تصور که فریضه تنها با کمک نافله پذیرفته می‌شود، نافله را واجب تلقی کرده است. این در حالی است که وی میان «قبول» و «اجزاء» تفاوت قائل نشده است. برای پژوهشگری که در آثار و روایات وی تتبع کند، آشکار خواهد شد که بسیاری از روایات او به دلیل نقل به معنا و

۱. تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۰۰، باب ۸، ح ۳۷: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌گوید: اشکالی ندارد که مرد دینار را بیشتر از قید روز به نسیه بفروشد.

۲. جواهر الکلام، ج ۲۴، ص ۴.

۳. ریاض المسائل، ج ۱۹، ص ۲۷۸.

۴. جواهر الکلام، ج ۲۴، ص ۴.

۵. به امام صادق علیه السلام گفتم: عمار ساباطی روایتی از شما نقل کرده است. فرمود: کدام روایت؟ گفتم: روایت کرده است که سنت، فریضه است. فرمود: کجا می‌رود؟ کجا می‌رود؟ من این گونه به او نگفتم (الکافی، ج ۳، ص ۳۶۲).

برداشت‌های نادرست، دچار تشویش و ابهام است.^۱

آنچه در بیان علامه مجلسی آمده است، مطلب تازه‌ای نیست؛ چراکه در بیانات بزرگان فقه و حدیث نیز به این امر اشاره شده است. به عنوان نمونه:

محدث بحرانی تصریح دارد که بسیاری از روایات عمار مشتمل بر مطالب ضعیف است.^۲ مجلسی اول معتقد است که وی روایات را به صورت نقل به معنا گزارش کرده و اجتهاد خود را در آن دخالت داده است.^۳ شوشتری در قاموس الرجال در تضعیف عمار، گوی سبقت را از دیگران ربوده و روایات عمار را دچار اختلال نظام می‌داند.^۴ صاحب جواهر عمار را معروف به نقل شواذ می‌داند.^۵ محقق بروجردی، به دلیل فارسی‌زبان بودن راوی، احتمال می‌دهد که وی روایات را با الفاظ دیگری تغییر داده باشد و به همین جهت، اضطراب در روایات او دیده می‌شود.^۶ برخی از معاصران نیز از شیخ طوسی نقل کرده‌اند که عمار ساباطی ضابط نبوده است و به همین جهت، به روایات وی عمل نمی‌شود.^۷ موسی شبیری زنجان‌ی نیز بحث ضبط راوی و وجود مشکلات در روایات عمار را بیان کرده است:

مرحوم مجلسی اول در لوامع مطلبی بیان کرده است که من درباره آن تحقیق نکرده‌ام. ایشان می‌گویند اساساً روایات عمار، حتی در صورت عدم تعارض، صلاحیت استناد ندارد؛ به این دلیل که عمار کثیر الخطاست و در روایات او اختلال وجود دارد. ایشان وجه آن را در آنجا ذکر نکرده است. احتمال می‌دهم به همین جهت باشد که در شرایط حجیت، علاوه بر نبودن تعمد در کذب، لازم است خطا بیش از حد متعارف نباشد. خطای عمار ساباطی بیش از معمول است؛ بنابراین، ضبط که یکی از شرایط وثاقت است، در او وجود ندارد.^۸

کلام ایشان به عبارت علامه مجلسی اشاره دارد:

۱. مرآة العقول، ج ۱۵، ص ۲۳۴.
۲. الحدائق الناضرة، ج ۱۳، ص ۳۱۷.
۳. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۲۰۴.
۴. قاموس الرجال، ج ۸، ص ۳۰.
۵. جواهر الکلام، ج ۷، ص ۳۰۵.
۶. تبیان الصلاة، ج ۵، ص ۸۷.
۷. الصوم، ج ۲، ص ۱۹۵.
۸. درس خارج فقه آیه الله موسی شبیری زنجان‌ی، ۱۳۸۸/۲/۱۴ (eshia.ir).

اگرچه حدیث عمار بی‌ضعف بسیار کم است و بر تقدیری که جایز باشد به حدیث او عمل کردن، شکی نیست که با تعارض احادیث صحیحیه، جایز نیست عمل به حدیث او کردن.^۱

مضمون روایاتی که نقل شد و عباراتی که فقها در ذیل روایات عمار، به خصوص در کتب فقهی، بیان کرده‌اند، گویای آن است که فقها با نگرش احتیاطی خاصی با روایات عمار تعامل می‌کردند. این نگرش، حاصل اشکالات محتوایی بوده است که در سراسر ابواب فقهی، در روایات نقل شده از عمار ساباطی مشاهده شده است.

نتیجه‌گیری

نام عمار ساباطی در سند بیش از دویست روایت فقهی مندرج در منابع دست‌اول روایی به چشم می‌خورد. این روایات، ابواب گوناگونی از فقه، از جمله طهارت، صلات، صوم و سایر ابواب مبتلا به را شامل می‌شوند. مضمون این روایات نیز ناظر به موضوعاتی است که در مباحث فقهی، روایات متعددی درباره آن‌ها نقل شده و همواره مورد توجه و تحقیق فقهای شیعه در اعصار مختلف بوده‌اند.

عدم ضابطیت عمار ساباطی، مسئله‌ای است که در آرای علمای رجال مطرح شده است. به منظور ارزیابی دقیق این مسئله، بررسی موردی روایات وی با استفاده از روش «شاهد و تتبع» ضروری به نظر می‌رسد.

نتایج حاصل از تحقیق در این زمینه نشان می‌دهد که حدود یک‌سوم از مجموع روایات منقول از عمار ساباطی، به لحاظ محتوایی قابل‌پذیرش نیستند. علت اصلی آن، اعراض فقهای شیعه از روایات عمار ساباطی و ترجیح سایر روایات بر روایات اوست.

در این نوشتار، ضمن بیان نمونه‌هایی از روایات عمار ساباطی که از نظر محتوایی دارای اشکال هستند، به آرای فقها در این خصوص و تصریح ایشان به اشکالات متعدد موجود در روایات عمار نیز اشاره خواهد شد.

بر اساس آمار ارائه شده از روایات عمار ساباطی و با توجه به نمونه‌های ذکر شده، پذیرش ضابطیت عمار ساباطی با اشکال جدی مواجه است؛ چراکه شرط احراز ضبط یک راوی، تطابق روایات او با روایات معتبر است؛ چیزی که در مورد عمار ساباطی محرز نشده است.

۱. لوامع صاحبقرانی، ج ۶، ص ۵۴۰.

کتابنامه

- * قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- الإستبصار، محمد حسن طوسی، تهران، إسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۶۳ ش.
- أصول الحديث و أحكامه، جعفر سبحانی، قم، مؤسسة امام صادق، چاپ پنجم، ۱۴۲۸ ق.
- تبیان الصلاة، حسین بروجردي، قم، گنج عرفان، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق.
- تدریب الراوی، جلال الدین سیوطی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.
- تذکره الفقهاء، حسن بن یوسف علامه حلی، قم، مؤسسة آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
- تفصیل وسائل الشیعة، محمد بن حسن حر عاملی، قم، آل البيت، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ق.
- تقیح المقال، عبدالله مامقانی، نجف، مرتضویة، چاپ اول، ۱۳۵۱ ق.
- جواهر الکلام، محمد حسن صاحب جواهر، بیروت، دار إحياء التراث، چاپ هفتم، بی تا.
- الحدائق الناضرة، یوسف بحرانی، قم، جامعة المدرسين، چاپ اول، بی تا.
- خلاصة الأقوال، حسن بن یوسف علامه حلی، مشهد، آستان قدس، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
- الخلاف، محمد حسن طوسی، قم، جامعة المدرسين، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
- الرواشح السماویة، محمد باقر بن محمد میرداماد، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
- روضة المتقين، محمد تقی مجلسی، تهران، کوشانپور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
- ریاض المسائل، علی طباطبائی، قم، آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
- سماء المقال فی علم الرجال، ابوالهدی کلباسی، قم، ولی عصر، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- الصوم فی الشریعة الغراء، جعفر سبحانی، قم، مؤسسة امام صادق، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
- فرهنگ فقه، محمود هاشمی شاهرودی، قم، دائرة المعارف فقه، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- الفقه علی مذاهب الخمسة، محمد جواد مغنیه، بیروت، دارالتیاری، چاپ دهم، ۱۴۰۰ ق.
- قاموس الرجال، محمد تقی شوشتری، قم، جامعة المدرسين، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- کتاب الطهارة، مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
- لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
- لوامع صاحبقرانی، محمد تقی مجلسی، قم، اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
- المبسوط فی فقه الإمامیة، محمد حسن طوسی، تهران، مرتضویة، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ش.
- مجمع الفائدة و البرهان، احمد بن محمد اردبیلی، قم، جامعة المدرسين، چاپ سوم،

۱۳۷۹ش.

مختلف الشیعة، حسن بن یوسف علامه حلی، قم، جامعة المدرسين، چاپ دوم، ۱۳۷۴ش.
 مرآة العقول، محمد باقر مجلسی، تهران، إسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
 مسالك الأفهام، زين الدين شهيد ثانی، قم، معارف، چاپ سوم، ۱۴۲۵ق.
 مستمسک العروة الوثقی، محسن حکیم، قم، دارالتفسیر، چاپ سوم، ۱۳۷۴ش.
 مشرق الشمسين، محمد بن حسين عاملی، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.

مصباح الفقيه، رضا همدانی، قم، المؤسسة الجعفرية، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
 المصباح المنیر، احمد بن محمد فيومی، قم، دارالهجرة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
 معجم مصطلحات الرجال و الدراية، محمدرضا جديدي نژاد، قم، دارالحديث، ۱۴۲۲ق.
 مفتاح الكرامة، محمد جواد عاملی، قم، جامعة المدرسين، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
 ملاذ الأخيار، محمد تقی مجلسی، قم، كتابخانه آية الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.
 موسوعة الفقه الإسلامی، محمود هاشمی شاهرودی، قم، مؤسسة دائرة المعارف فقه، چاپ اول، ۱۴۳۲ق.

المهذب البارع، احمد بن محمد ابن فهد حلی، قم، جامعة المدرسين، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.

شماره	روایات عمارساباطی در باب طهارت	شماره	روایات عمارساباطی در باب طهارت	شماره	روایات عمارساباطی در باب صلات	شماره	روایات عمارساباطی در باب صلات
۱	الکافی ۵/۹/۳	۲۷	تهذیب ۱۱۷/۲۸۳/۱	۱	الکافی ۸/۲۸۵/۳	۲۷	تهذیب ۱۴۴/۳۱۶/۲
۲	الکافی ۴/۱۷/۳	۲۸	تهذیب ۶۰/۳۳۰/۱	۲	الکافی ۱۳/۳۰۴/۳	۲۸	تهذیب ۱۵۲/۳۱۷/۲
۳	الکافی ۱۱/۱۸/۳	۲۹	تهذیب ۹/۳۶۷/۱	۳	الکافی ۱۸/۳۱۵/۳	۲۹	تهذیب ۲۱۱/۳۳۰/۲
۴	الکافی ۱۷/۳۸/۳	۳۰	تهذیب ۴۲/۳۹۴/۱	۴	الکافی ۱/۳۶۲/۳	۳۰	تهذیب ۲۲۰/۳۳۱/۲
۵	الکافی ۵/۵۹/۳	۳۱	تهذیب ۵۲/۳۹۶/۱	۵	الکافی ۷/۳۸۶/۳	۳۱	تهذیب ۲۲۱/۳۳۱/۲
۶	الکافی ۵/۸۲/۳	۳۲	تهذیب ۶/۴۰۵/۱	۶	الکافی ۹/۳۸۶/۳	۳۲	تهذیب ۹/۳۴۳/۲
۷	الکافی ۱/۱۰۴/۳	۳۳	تهذیب ۱۷/۴۰۷/۱	۷	الکافی ۱۳/۳۹۰/۳	۳۳	تهذیب ۵۴/۳۵۳/۲
۸	الکافی ۱۰/۱۴۹/۳	۳۴	تهذیب ۳۱/۴۱۶/۱	۸	الکافی ۱۵/۳۹۵/۳	۳۴	تهذیب ۴/۳۵۶/۲
۹	الکافی ۱۲/۱۵۹/۳	۳۵	تهذیب ۴۱/۴۱۸/۱	۹	الکافی ۱۰/۳۹۵/۳	۳۵	تهذیب ۷۱/۳۷۰/۲
۱۰	الکافی ۴/۲۱۰/۳	۳۶	تهذیب ۱۳/۴۲۳/۱	۱۰	تهذیب ۷۱/۲۰۶/۱	۳۶	تهذیب ۸۶/۳۷۴/۲
۱۱	الکافی ۷/۲۵۱/۳	۳۷	تهذیب ۲۵/۴۲۵/۱	۱۱	تهذیب ۲۷۵/۱۳۱/۲	۳۷	تهذیب ۹۴/۳۷۶/۲
۱۲	تهذیب ۹۰/۵۲/۱	۳۸	تهذیب ۲۷/۴۲۶/۱	۱۲	تهذیب ۶۲/۱۵۳/۲	۳۸	تهذیب ۸۷/۵۰/۳
۱۳	تهذیب ۳۶/۶۶/۱	۳۹	تهذیب ۱۸/۴۳۰/۱	۱۳	تهذیب ۲۸/۱۸۲/۲	۳۹	تهذیب ۹۵/۵۳/۳
۱۴	تهذیب ۷۵/۸۶/۱	۴۰	تهذیب ۱۳۸۲/۴۳۲/۱	۱۴	تهذیب ۲۹/۱۸۲/۲	۴۰	تهذیب ۳۰/۷۰/۳
۱۵	تهذیب ۲۱۱/۱۰۲/۱	۴۱	تهذیب ۸۳/۴۴۵/۱	۱۵	تهذیب ۵۷/۲۹۸/۲	۴۱	تهذیب ۲۸/۱۶۷/۳
۱۶	تهذیب ۳۰/۱۱۲/۱	۴۲	تهذیب ۱۲۳/۴۵۴/۱	۱۶	تهذیب ۱۱۹/۲۳۱/۲	۴۲	تهذیب ۲/۱۷۵/۳
۱۷	تهذیب ۳۱/۱۲۶/۱	۴۳	تهذیب ۷/۱۹۹/۳	۱۷	تهذیب ۲۸/۲۴۲/۲	۴۳	تهذیب ۳/۱۷۵/۳
۱۸	تهذیب ۸۹/۱۴۱/۱	۴۴	تهذیب ۱۷/۲۰۱/۳	۱۸	تهذیب ۸۱/۲۶۲/۲	۴۴	تهذیب ۲۱/۲۱۱/۳
۱۹	تهذیب ۹۱/۲۰۱/۱	۴۵	تهذیب ۷۱/۳۳۴/۳	۱۹	تهذیب ۹۲/۲۶۵/۲	۴۵	تهذیب ۱۰۴/۲۳۰/۳
۲۰	تهذیب ۲۰/۲۱۲/۱	۴۶	الاستبصار ۵/۹۶/۱	۲۰	تهذیب ۱۱۶/۲۷۱/۲	۴۶	تهذیب ۱۰۶/۲۳۰/۳
۲۱	تهذیب ۲۴/۲۲۳/۱	۴۷	الاستبصار ۲/۹۷/۱	۲۱	تهذیب ۱۱۸/۲۷۲/۲	۴۷	تهذیب ۵۷/۲۴۷/۳
۲۲	تهذیب ۴۸/۲۳۰/۱	۴۸	الاستبصار ۴/۲۱۴/۱	۲۲	تهذیب ۱۲۳/۲۷۳/۲	۴۸	تهذیب ۲۱/۲۵۴/۳
۲۳	تهذیب ۹/۲۳۵/۱	۴۹	الفقیه ۴۳۴/۱۵۵/۱	۲۳	تهذیب ۱۲۷/۲۷۴/۲	۴۹	تهذیب ۱۱۰/۲۷۳/۳
۲۴	تهذیب ۳۰/۲۴۲/۱	۵۰	الفقیه ۴۸۲/۱۶۶/۱	۲۴	تهذیب ۲۵/۲۸۲/۲	۵۰	تهذیب ۱۱۹/۲۷۳/۳
۲۵	تهذیب ۸۲/۲۷۰/۱	۵۱	الفقیه ۵۸۵/۱۹۲/۱	۲۵	تهذیب ۳۳/۲۹۳/۲	۵۱	تهذیب ۱۳۶/۲۷۸/۳
۲۶	تهذیب ۸۹/۲۷۲/۱			۲۶	تهذیب ۱۴۱/۳۱۵/۲	۵۲	تهذیب ۱۳۷/۲۷۸/۳

شماره	روایات عمارسابطی در باب صلوات	شمار	روایات عمارسابطی در باب صوم	شماره	روایات عمارسابطی در باب حج	شمار	روایات عمارسابطی در ابواب معاملات
۵۳	تهذیب ۱۵۴/۲۸۲/۳	۱	الکافی ۲/۷۱/۴	۱	الکافی ۲۱/۳۲۳/۴	۱	الکافی ۳/۹۰/۵
۵۴	تهذیب ۱۵۶/۲۸۲/۳	۲	الکافی ۴/۱۰۸/۴	۲	الکافی ۶/۵۶۱/۴	۲	الکافی ۱۸/۱۷۸/۵
۵۵	تهذیب ۲۸/۲۸۹/۳	۳	الکافی ۴/۱۱۲/۴	۳	تهذیب ۵۸/۷۵/۵	۳	الکافی ۸/۲۶۴/۵
۵۶	تهذیب ۲۷/۳۰۷/۳	۴	الکافی ۶/۱۱۶/۴	۴	تهذیب ۱۳/۲۰۲/۵	۴	الکافی ۳/۲۸۳/۵
۵۷	تهذیب ۳۶/۲۲۵/۴	۵	الکافی ۵/۱۱۸/۴	۵	تهذیب ۴۱/۳۰۵/۵	۵	تهذیب ۳۶/۳۳۰/۶
۵۸	تهذیب ۳۸/۲۲۶/۴	۶	الکافی ۳/۱۲۵/۴	۶	تهذیب ۹۰/۴۱۵/۵	۶	تهذیب ۳۴/۹۲/۷
۵۹	تهذیب ۳۹۰/۴۸۸/۵	۷	الکافی ۵/۱۶۴/۴	۷	تهذیب ۲۵۳/۴۶۱/۵	۷	تهذیب ۳۷/۱۰۰/۷
۶۰	الاستبصار ۶/۲۲۲/۱	۸	تهذیب ۵/۸۱/۲	۸	تهذیب ۲۵۴/۴۶۱/۵	۸	تهذیب ۳۸/۱۰۰/۷
۶۱	الاستبصار ۵/۳۷۹/۱	۹	تهذیب ۴/۲۷۴/۴	۹	تهذیب ۳۷۶/۴۸۵/۵	۹	تهذیب ۳۹/۱۰۰/۷
۶۲	الاستبصار ۲/۳۸۱/۱	۱۰	تهذیب ۲۰/۲۸۰/۴	۱۰	تهذیب ۳۹۸/۴۸۹/۵	۱۰	تهذیب ۴۱/۱۰۱/۷
۶۳	الاستبصار ۶/۴۵۴/۱	۱۱	تهذیب ۶۴/۳۲۳/۴	۱۱	علل الشرائع ۱/۴۲۳/۲	۱۱	تهذیب ۱۱۵/۱۱۷/۷
۶۴	الاستبصار ۲۱/۲۶۵/۱	۱۲	تهذیب ۷۴/۳۲۴/۴			۱۲	تهذیب ۲۶/۲۳۱/۷
۶۵	الفقیه ۱۰۷۷/۳۷/۱	۱۳	تهذیب ۹۰/۳۲۸/۴			۱۳	تهذیب ۳/۱۹۹/۸
۶۶	الفقیه ۸۱۸/۲۶۶/۱						
۶۷	الفقیه ۸۷۷/۲۸۵/۱						
۶۸	الفقیه ۸۹۴/۲۸۹/۱						
۶۹	الفقیه ۹۸۳/۳۳۷/۱						
۷۰	الفقیه ۹۴۰/۳۴۰/۱						
۷۱	الفقیه ۱۴۳۸/۵۰۱/۱						
۷۲	الأمالی ۱۰/۲۵۶						

شماره	روایات عمارساباطی در باب نکاح	شماره	روایات عمارساباطی در باب اطعمه و اشربه	شماره	روایات عمارساباطی در باب طلاق	شمار	روایات عمارساباطی در باب حدود
۱	الکافی ۱/۳۵۵/۵	۱	الکافی ۱۸/۳۴۹/۶	۱	الکافی ۱/۹۸/۶	۱	الکافی ۳/۲۱۰/۷
۲	الکافی ۹/۴۱۱/۵	۲	الکافی ۱۳/۴۲۴/۶	۲	الکافی ۱/۱۷۴/۶	۲	الکافی ۱/۲۵۵/۷
۳	الکافی ۱۰/۴۴۲/۵	۳	الکافی ۱/۴۲۵/۶	۳	تهذیب ۲۰/۳۳/۸	۳	الکافی ۲/۲۵۳/۷
۴	الکافی ۹/۴۲۰/۵	۴	الکافی ۲/۴۲۵/۶	۴	تهذیب ۲۸۰/۸۲/۸	۴	تهذیب ۶۵/۲۲/۱۰
۵	الکافی ۱۰/۴۶۷/۵	۵	تهذیب ۸۴/۲۱/۹	۵	تهذیب ۳۷/۲۰۷/۸	۵	تهذیب ۵/۶۶/۱۰۸
۶	الکافی ۳/۴۸۱/۵	۶	تهذیب ۸۰/۸۰/۹				
۷	الکافی ۳/۵۴۱/۵	۷	تهذیب ۸۵/۸۲/۹				
۸	الکافی ۴/۲۵/۶	۸	تهذیب ۲۳۷/۱۱۶/۹				
۹	الکافی ۹/۲۸/۶	۹	تهذیب ۲۶۶/۱۲۳/۹				
۱۰	الکافی ۴/۳۱/۶						
۱۱	تهذیب ۱۳/۲۴۳/۷						
۱۲	تهذیب ۴۷/۱۵۹/۷						
۱۳	تهذیب ۱۲/۳۱۵/۷						
۱۴	تهذیب ۵/۳۷۸/۷						
۱۵	تهذیب ۱۱۴/۴۵۷/۷						
۱۶	تهذیب ۴۵/۱۷۷/۸						
۱۷	الفقیه ۴۷۲۰/۴۸۶/۳						
۱۸	الفقیه ۴۶۳۷/۴۷۰/۳						

شماره	روایات عمارساباطی در باب وصیت	شماره	روایات عمارساباطی در سایر ابواب و مسائل فقهی	شماره	روایات عمارساباطی در اعتقادات	شماره	روایات عمارساباطی در اخلاق
۱	تهذیب ۱/۱۸۶/۹	۱	زکات: الکافی ۳/۵۴۸/۳	۱	الکافی ۴/۲۵۷/۱	۱	الکافی ۷/۱۴۹/۲
۲	تهذیب ۶/۱۸۸/۹	۲	زکات: تهذیب ۱۱۸/۴۳۴/۴	۲	الکافی ۲/۲۳۳/۱	۲	الکافی ۱/۶۳۸/۲
۳	تهذیب ۹/۱۸۸/۹	۳	مقدمات عبادات: تهذیب ۵/۳۸۰/۲	۳	الکافی ۲۴۶/۲۰۴/۱	۳	الکافی ۵/۶۴۰/۲
۴	تهذیب ۱۷/۹۰/۹	۴	ظهار: تهذیب ۳۴/۱۱/۸	۴	الکافی ۹/۲۲۴/۱	۴	الکافی ۶/۶۴۰/۲
		۵	ارث: تهذیب ۱/۱۷۲/۷	۵	الکافی ۳/۳۹۸/۱		
		۶	صدقه: تهذیب ۲۶۲/۶۱/۹	۶	الکافی ۵/۳۹۸/۱		
		۷	دیات: تهذیب ۵۰/۲۳۲/۱۰	۷	الکافی ۸۴/۴۳۰/۱		
		۸	الایمان: الکافی ۱۶/۴۶۳/۷	۸	کمال الدین ۱۱/۴۱۲/۲		
		۹	ثواب السموات: ثواب الأعمال ۱۸/۲	۹	کمال الدین ۴/۲۲۱/۱		
		۱۰	الحیجامه: الکافی ۴۰۷/۲۷۳/۸	۱۰	الفقیه ۴۶۲۸/۴۶۸/۳		
		۱۱	الزی والتجمل: الکافی ۱۲/۵۰۶/۶	۱۱	فضائل الأشهر الثلاثة ۱۱۰/۱		
				۱۲	ثواب الأعمال ۱۵۸		